

که لابد مجازات باشد داده شود لیکن بکلی آقوال او
بی اختیار باشد و مسح نیاشد جهت نداده بجهت
این که فرض بکنید که یک کسی را ذم خذ داده
مجازات می دهد اما اینکه آنکه آنالت مسح نیاشد
این در هیچ حا مرسوم نیست دیگر آنکه راجع
باشد هر ضمیمه اینکه اینالت مسح نیاشد
بخدمه می اشارت است چون شاید راجع به حقوق اداری
باشد هر ضمیمه اینکه اینالت مسح نیاشد همان دو اشکال را دارد
بنکن رابهای یکی خامس.

آقاشیخ ابراهیم - اینهم نظربر همان است
که در آن ماهه ذل شد که باید استناد اقام ترک
نشود پاکیز بشود این از پاکیز نفع نهاد است و
این شرعاً مانع نداده دولت مستخدمی می کنید
می کوشند این اشخاص هر کاه معروفی بکنند
فبول بکنید و هرچه بکنند نباید فیکر کنید اهم از
این کوشیده بدهد یا بکنند باعث نهاده باعث نهاده
کار سکرد کسانی که اقام می اشاره نیست هستند مورد
نهاده هستند آن مبارز دولت باو می کوبند کاری
بکن که مورد نهاده نشود.

حاج شیخ الرئیس - بنده نمی دانم در مرغ
بودن برای چه کوری کنکی کری را مانع داشتم
و حال آنکه در شرع مالشارت آنها بدل کمات آنها
است و هیچ تکلفی از آنها برداشته نیست شاید
بعضی از کورها بهتر از سایرین بدانند.

آقاشیخ ابراهیم - این هرمن شخص نبود
مقصود آنکسانی هستند که این صفات و این اطلاعات
را دارند و چون کور نادر اتفاق می افتند که همچیزی نمی فرمد
داشته باشد با اشارت هم به آنها بدل کمات آنها
است پنهان برای اینکه خاطر آقایان بهترین بوق
باشد عرضی کنم.

ماده ۸۰۸ - مقصود از ثبت استناد موافق ترتیبات

که در این ناخن مقرر است رسی کردن استناد
ثبت شده است یعنی قطعی کردن تاریخ سند و ضبط

باخ تالان اشخاصیکه در مامنه ذهنفندن یعنی درخود

ماده ۸۰۹ - مقصود رسمی از جهات مذکور در

ماده قبل معتبر و در مقابل دعوا محل اعتقاد است
بنابراین کسکه برایه اوسنده رسی ابرار می شود

نی تواند اظهار این اطلاعی یا شبهه و تردید نماید

بان سند نماید فقط در مقام رد متنه باید مجموع

بودن آنرا مدل نماید و با تابت کند که سند رسی

جهت از جهات قانونی از اعتبار افاده است پس ما

نمی توانیم بگوییم که لان کاری را که می کند اعتبار

نداده باشند، منشاء اعتقاد نمی شود کلی اسنادی که

می آورند با ادله ثبت استناد باید از روی یک ترتیب

بنده بیشنهاد می کنم که ماده ۶۰ کمیون

نوشه شود هر کاه اشخاص مطلع بکنند مصلحت

کوری و کری و گنک و دیوانه

و غیر بالغ نوشته شود که مطلوب بایکوی یا

دیوانه و رایغ بالغ بجای داویان نوشته شود (بالصلاح

مزبور فرائت شد)

رئیس - اصلاحی است که آنای حاج سید

ابوالقاسم بیشنهاد کرده است [بیانات ذلیل ذرائت

کردید]

بنده بیشنهاد می کنم که ماده ۶۰ این طور

آنکه ذل نفع از این اتفاق نمایند از این صفات مصلحت

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق نمایند از این اتفاق نمایند

که اینکه این اتفاق ن

آقای ابراهیم - طرفین مطلع خواهند بود و آنها هم در آخر شخوانه نوشته که چند جای این سند این طور است و مهر خواهند کرد در این صورت ممکن نبست قلب زیاد کردن و کم کردن کلمات بشود.

آقامیرزا ابراهیم قلمی - فوق الله کر خوب لفظی نیست ساین الذکر بهتر است.

رئیس - پیشتر اصلاحات لفظی است هوش آنکه اصلاحات منوی شود.

(پیشنهاد آقای کاشف به مضمون ذیل قرائت شد) اصلاح در ماده ۷۴ بجهای کلمات از لایحه

شروع شده در لایحه ختم شود اینطور نوشته شود که از يك طرف شروع و در آن سطر ختم شود.

کمال - این که نوشته شده از يكجا شروع و در يكجا ختم شود مني ندارد البته در يكجا شروع بشود و جای دیگر ختم نمیشود.

آقای ابراهیم - مطابق این شرط شروع و در يكجا شروع نوشته شده از يكجا شروع

شروع بشود آن سطر هم از يكجا شروع باشند از آنها اسلام کنم که ندارد البته در يكجا

آقای ابراهیم - اگر عرض کلمه از يك

صدارالعلماء - اینجا نوشته شده است

باشند تب موافق ماده ۸۶۵ ۱۳۵۵ مجازات بشود ماهنوز آن موادر رأی ندادیم خوب است بنویسند

آقای ابراهیم - از يك ماده حواله میکند

مجازات را باده دیگر پایمده که رسیدیم هر قدر که مخواهیم مذاکره میکنیم این اشکال ندارد (بالاصلاح واکیداً نفعی است باکیداً منوع است. معنید افراد شد).

رئیس - رأی میگیریم بهاده ۷۳ کمیسیون

پیشنهاد که قرائت شد آقای ایمانیکه، موافق قیام نمایند (القب قیام

رئیس - باکثریت ۲۰ رأی تصویب شد.

(پیشنهاد وزیر ماده ۷۱ و ۷۲ بترتیب ذیل

قرائت گردید) ماده ۷۱ - در دفتر نیز این استاد تراشیدن و پاک

نودن و همچنین استعمال مرکبی که این اشیاء را از خود شدند و بازگردانند (از قلم

بکلی منوع و قدن است اگر اشیاء همانند خود شدند و بازگردانند در قدر قدر نیز این اشیاء را از خود شدند و بازگردانند (از قلم

رئیس - رأی میگیریم بهاده ۷۶ رأی تصویب شد.

که خوانده شد آقای ایمانیکه موافق قیام نمایند (القب

قیام نمودند).

یعنی این خلاف قانون شده است موافق ماده ۸۶

ماده ۱۲۷ مجازات بشود.

رئیس - مخالف نیست رأی میگیریم بهاده ۷۸ اشخاصی که سعادت خود را اهلام نمایند و این نکته باید قبل از امضای ایشان در دفتر قید شود.

رئیس - باکثریت ۵۹ رأی تصویب شد.

میخواهیم بعدم این نکته باید قبل از امضای ایشان روزی که بادره نبست داده می شود نبست و در حضور مطلعین قرائت وبالصول سند مقابله بالامضای آنها

تصدیق بشود.

رئیس - رأی میگیریم بهاده ۷۰ بترتیب این که غواص دیده باشند و بازگردانند آنها از لایحه

شروع شده در لایحه ختم شود اینطور نوشته شود که از يك طرف شروع و در آن سطر ختم شود.

رئیس - باکثریت ۴۹ رأی تصویب شد.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۷۶ - اصحاب معامله کفرائیت بسته را بی حضور مطلعین استعمال باشند.

است که هم گرند هم بی سعاده مولده معمولی باید

نشتردا فرایت کرده یافرایت قیام نمایند (اقرب قیام نمودند)

رئیس - باکثریت ۶۱ رأی تصویب شد.

کفرائیت بسته دفتر را بی حضور مطلعین استعمال باشند.

آن در حضور مطلعین استعمال اینها استعما

که غایب داشته باشند از آنها استعما

کفرائیت بسته دفتر را بی حضور مطلعین استعمال

را فرایت کرده یافرایت آنرا استعما

که غایب داشته باشند از آنها استعما

کفرائیت بسته دفتر را بی حضور مطلعین استعمال

و زیر عدالتی - مقدوساین است

که غایب داشته باشند از آنها استعما

کفرائیت بسته دفتر را بی حضور مطلعین استعمال

را فرایت کرده یافرایت آنرا استعما

که غایب داشته باشند از آنها استعما

کفرائیت بسته دفتر را بی حضور مطلعین استعمال

رئیس - باکثریت ۴۷ رأی تصویب شد.

پیشنهاد کمیسیون ماده ۷۸ اشخاصی که سعادت خود را اهلام نمایند و این نکته باید قبل از امضای ایشان

ایشان در دفتر قید شود.

حاج شیخ الرئیس - توضیعی در این نکته

میخواهیم بعدم این نکته باید قبل از امضای ایشان

را در دفتر قید شود یعنی چه ؟

وزیر عدالتی - یعنی قبل از اینکه امضا کند

باید این مطلب نوشته شود که آنها ذیل آنرا

اعضا کنند.

رئیس - رأی میگیریم بهاده ۷۰ بترتیب

است که غواص دیده باشند آنها ایمانیکه و افتدند

فیام نمایند (غلب قیام نمودند)

رئیس - باکثریت ۴۹ رأی تصویب شد.

آقا شیخ ابراهیم - این همان این مطلب

را عرض کنم که آقای ذیل فرمودند آنرا جواز بدهم

و آن این بود که فرمودند دولت یک ترتیبی در

ثبت استاد میدهد میگویند که هر کسی داش میتواند

باید هر کسی نمیتواند نیاید دولت یک همچو حقیقی

را ندارد بجهت اینکه دولت امرکرده ترتیب و

سربرستی افراد مملکت را بگند و امور آنرا باطل میکند

خوانده اند و آنها شنیده اند آنوقت از آنها سوال

بیکنند آیا شنیده آیا میتوان اخلاق مملکتی بگند از این دفعه احتیاجات مردم بشد و استاد را باید بپرسد

قیدمیشود والا اعلام نمایند بعد از آنکه در حضور

آجنبه ثبت کنند یعنی این ایجاد ترتیب و

وزیر عدالتی - مقدوساین است

مطلعین شنیدند دیگر چه اعلامی خواهد شد.

پیشنهاد کمیسیون - باکثریت ۲۰ رأی تصویب شد.

رئیس - باکثریت ۲۰ رأی تصویب شد.

آقا شیخ ابراهیم - این همان این مطلب

شیوه ایجاد ترتیب اولی صحیح است

وزیر عدالتی - بیانجا نوشته شده است

مباشر ثبت موافق ماده ۸۶۵ ۱۳۵۵ مجازات بشود

ماهیت آن موادر رأی ندادیم خوب است بنویسند

آقا شیخ ابراهیم - اگر عرض کلمه از يك

صدارالعلماء - اینجا نوشته شده است

که غایب داشته باشند از آنها استعما

<p

ماده ۸۱ - لایحه وزیر مقصود از بستن دفاتر
اینستکه مباشر ثبت در ذیل آخوند ثبت تاریخ روز و
ماه و سال را گذاشته امضاء نمایند کمیسیونی که ماده
مذبور را در پیک ماده بعبارت ذیل پیشنهاد کرد بود.
ماده ۸۲ - برای اینستکه تاریخ ثبت پیشتر ثابت و
محضون از نظیر پاشد مباشر ثبت هر روزه هنگام پسته شدن
مباشرت تمام دفاتر را مبتنده مقصود از بستن دفاتر
آنستکه مباشر ثبت در ذیل آخوند ثبت تاریخ
روز و ماه و سال را گذاشته امضاهی نمایند تخلف
از مفاد این ماده مستوجب مجازاتی میباشد که در ماده ۱۳۵ مقرر راست.

حاج شیخ اسدالله - هنگام پست شدن
مباشرت مراد معلوم نبست کوچه مقصود دفاتر باشد.
رئیس - مقصود داداره مباشرت صحیح است.
وزیر عدلیه - صحیح است مباشرت صحیح است
رئیس - رأی من کیریم به ماده ۸۶ راپورت
کمیسیون آفایانی که موافق هستند با این ماده قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند.)

رئیس - با اکثریت ۶۱ رأی تصویب شده
ماده ۸۷ - المعاون راپورت کمیسیون - هر
گاه ثابت شود که بواسطه تصریح مباشر ثبت سندی
از اعتبار افتاده است متارالیه علاوه بر مجازات مفرد
مکلف است بنادیه کاوه خسار تپیکه با صداب معامله وارد
آمد و مدلل شده است.

حاج سید ابراهیم - بنده گمانم که این ماده
را چون ترجمه شکرده اند اینطور نوشته اند والا
چطور می شود تصور کرد که یکدیگر بواسطه تصریح
مباشر ثبت یک سندی از اعتبار بیفتد برای اینستکه
در مملکت ما اینطور نبست که اعتبار اسناد منحصر
به ثبت باشد و هر گز نمی شود کفت که بواسطه
تأثیر در ثبت یا تصریح مباشر ثبت سند از اعتبار
مباشر کارت یا تصریحی که بهمان ترتیبی نباشد در
این مملکت معمول بوده است ممکن است سند و
بنویسند و البته معتبرهم خواهد بود یعنی خوب است
آفای مخبر در این خصوص توضیح بفرمایند که
آن تصریحی که باعث از اعتبار افتادن سند می شود
که از مباشر ثبت صادر بشود کدام است.

آفای شیخ ابراهیم - اصل این اداره ثبت در
برای این قرار داده اند که بواسطه ثبت شدن اسناد
اعتمادی پیدا شکنند مردم اینجا ازدام کرده یا نه
داده برای اینستکه سندش ثبت شده و معتبر باشد
مباشر کارت یا تصریحی کرده هم از اعتبار افتاد
تمام شده.

رفعت - دیگر هیچ مجازاتی نمایند داشته باشند
هیچ فرقی نمایند بلکه این آنها نیکه نه
می کنند و آنها اینستکه تصریح نمی کنند پس این برای
چه یعنی برای دیرای چه ثبت می کنند برای چه یعنی
می دهد البته برای اینستکه سند او معتبر باشد
و البته اگر مباشر رعایت نرتبهات در ثبت کرد
تصویر شکرده باید مجازات داشته باشد بلکه بنده
یک قبضه دیگر را لازم می دانم که نوشته است در این
صورت مباشر ثبت ملزم است بنادیه کاوه خسار تپیکه
از اینستکه کارت و تصریح او بر صاحب سند و معامله
وارد مباید.

کمپسیون بترتبی که اصلاح شد آقایانیکه موافقند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

ماده ۸۵ - هر کاه طرف معامله بواسطه مرض سخت یا موانع مشروع دیگری نتواند در خارج از تبت حاضر بشود مباشر ثبت می تواند در منزل اساعاییکه برای کار می باشد معین شده در منزل آن شخص حاضر شده بارعايت تمام ترتیبات مقرر وظایف خود را انجام بدهد .

لسان الحکماء - بنده با مقتصیات مملکت این ماده را پسندیده نمی داشم اگر چه دیده ام بعضی از مالکه بین طور است و در این مخصوصاً ملاحظه اینکه بعضی از مواد خوانده شده است پیشنهادی نمی کنم همین قدر اشاره کردم که اگر سایر آقایان همراه باشند در موقع رأی ندهند که خوب و مضر است .

افتخار الاعظیم - بنده اینماده را یعنی رفتن می باشر ثبت در آن و بت کردن را هیچ صحیح نمی دانم برای اینکه اسباب بی اعتباری است اند مردم خواهد شد باید در همه جا بهمان ترتیبیکه معین شده است طرفی برای خود طرف حاضر بشود و بت بشود .

آقا شیخ ابراهیم - اینماده لازم است بجهة آنکه آن شرایط سابق فراموش نشده است انجام این ترتیب باحضور معلمین و شهود خواهد بود علاوه بر این طرف دیگرهم حاضر خواهد بود والا برای اینکه آن شخص مريض است نمی تواند باید چه بشکند او و باهمان حالت و اداره بیاورند باداره یا اینکه آن سه بیاند چه بشکند اگر اینطور نکنند این شخص میتواند نصیحت نامه است معلمین و طرف دیگر حضور دارند باحضور آنها می باشند ثبت آن وصیت نامه را ثبت میکنند هیچ تنها هم نمی کنند و باشند که خواهد شد این نتیجه ثبت بروز در خانه است اینجا اینکه می باشند که خواهد شد است چه می باشند ثبت بروز چه نزدیکی است و میکنند و کمی می باشند و همانقدر برای که مخبر نظر دارد حاصل خواهد شد و اینکه مامنگوییم یکن و کمی تعبیین میکنند بهتر است از اینکه می باشند ثبت دوره گرد بشکنیم .

حاج و کمیل الرعایا - بنده کافی میدانم و کار را بجهة اینکه ایجاد و کالت از برای همین قسم زحمت است و اگر چنان مريض است که هیچ چیزی از پذیرفته نیست می باشند ثبت هم برای چه تشریف میباشد آنکه اینکه همچو مريضی باشد که نکلیف از او برداشده است چه می باشند ثبت بروز چه نزدیکی است و میکنند و کمی می باشند و همانقدر برای که مخبر نظر دارد حاصل خواهد شد و اینکه مامنگوییم یکن و کمی تعبیین میکنند بهتر است از اینکه می باشند ثبت دوره گرد بشکنیم .

حاج سید ابراهیم - بنده فقط جواب آن مخبر را می خواستم عرض کنم که این طور نیست می فرمایند بجهة آنکه صحبت و صحبت نامه در مملکت منحصر باشند ثبت بشود بلکه به این ترتیب تابحال معمول بوده است هم می شود که اطلاع چند نوشته می شود و بهر آنها میرسد و هیچ لازم باشند نخواهند بود که می باشند ثبت با آنچه بروز .

رئيس - آقایان مذاکرات را کافی نمیدانند (گفتند مذاکرات کافی است) .

رئيس - رأی می کنیم بماده ۸۵ را کمپسیون آقایانیکه موافق هستند با اینماده قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

وزیر عدلیه - ماده بعد توضیح میکند لازم نیست .

حاج سید ابراهیم - مقصود بلده اینست که هر ضمیر نم و هم کنم یا کنم با کنم نوشته شود چون مقصود این نیست که هر دو صفت را دارا باشد .

وزیر عدلیه - مقصود هر دو است هم کنرو هم گنک صحیح است .

رئيس - رأی می کنیم بماده ۸۱ کمپسیون آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئيس - با کثربت ۶۱ رأی تصویب شد .

ماده ۸۲ - در موارد بسیار اشخاص مذکور در ماده قبل سواد نداشته باشند باید بعلوه شخصیکه باشانه یا آنها حرف می زند ایز شخصی را دعوت کرد که این اشارات را می فهمد این شخص باید جامع شرایط معلمین بجز شرایط ذقره چهارم که مانع از پذیرفتن او نیست .

رئيس - مخالفی که نیست - رأی می کنیم بماده ۸۳ رایورت کمپسیون ترتیبی که خوانده شد آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند [اغلب قیام نمودند] .

رئيس - با کثربت ۷۰ رأی تصویب شد .

ماده ۸۳ - بعد از اجرای ترتیبات فوق الذکر ذیل ثبت را در خود دفتر ثبت اصحاب معامله و معلمین و می باشند ثبت امضا میکنند .

رئيس - مخالفی نمی بینم - رأی می کنیم آقایانی که بماده ۸۳ رایورت کمپسیون موافق هستند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

رئيس - با کثربت ۶۵ رأی تصویب شد .

ماده ۸۴ - هر کاه طرف با طرفین معامله بواسطه بی سوادی با جهالت دیگری نتوانند امضا نمایند شخص دیگری به اموریت شخص بی سواد باید ایشان امضاء نموده و معلمین ایز جهه را قید و امضاء نمایند .

آقا شیخ ابراهیم - اینجا یک جزوی اصلاحی می خواهد چون زهرا راجع به بی سواد نیست بنابر اینست که اینطور نوشته شود که شخص دیگری با امر ایشان امضاء نموده .

رئيس - همین را که می فرمانند بنویسید - (اصلاح مزبور را نوشته و آقا میرزا ابراهیم خان بعبارت ذیل قرائت نمودند) شخص دیگری با امر ایشان امضاء نموده معلمین ایز جهه را قید و امضاء می نمایند .

حاج و کمیل الرعایا - بنده گمان می کنم بو کالت ایشان نوشته شود بهتر است .

آقا شیخ ابراهیم - امر بهتر است با امر ایشان امضا می کنند .

رئيس - رأی می کنیم بماده ۸۴ رایورت

آنها بموقع اجرا بگذارد و هر امری از مرکز صادر میشود بلاتأغیره ولا تعرف تمام شعب رسیده بطوری که منظور دولت است در اقصی بلاد اجرا بر سر و الای تفییر هر کاریه باشد تمام ادارات نیز تغییر کرده برای اجرای هر عقیده طرفداران همان عقیده داخل خدمت گردند تا ارادات فوه مجریه معمول و معوق نمایند و این امر معمول نیست اهمیت این نکته که اظهار شد در تمام ادارات خصوصاً در نظام بقدیم طرف توجه نیست که فرقی بر آن متصور نیست و قشوں باید مظہر قدرت ملت باشد ناقدر پارتبهای پولنیک زیرا که اگر اهل نظام داخل در کشمکش احزاب سیاسی شوند (دیسپلین) و نظامی باقی نخواهد ماند و قسد تشون بی نظام حاجت بتوصیح ندارد بلک شرط واجب الرعایه دیگر حفظ مراتب (هر آرشی) در ادارات است همانطور که در نظام مرتبی باید هرمادونی مطبع مافوق خود باشد اعضاء ادارات نیز واحد بعد آلاخر باید در تحدیث فرمان مافوق خود رفته باشند ترتیب ادارات فوه مجریه از بالا به این جهت نموده نظام اداری محفوظ ماند تقسیمات کار و تقسیمات دو اثربر نیز باید از روی نسبت کم و زیادی کار و ملاحظه ضرورت عملی واستطاعت مملکت اختیار شود یعنی برای کار وجود لازم اداره و اعضاء تشکیل شود برای فرضیات یانقلیه و رفاقت چون در این مسائل خصوصاً در مسئله پارتوی نایین تاریخ متأسفانه هیچ توجیهی نشده و نظام اداره یافسی از میان رفته که درین اداره از هر فرقه که تصور بشود داخل شده اند و در میانه خود آنها برای دفاع یکدیگر غوغائی برپا است که هیچ وقت از خود باحوال مملکت نخواهد پرداخت از فرایض فوریه خیرخواهی دیده خاطر نمایند گران محترم را باصلاح این احوال جلب مینماییم والا صریح باید داشت که نامصالح ملت پیشرفت کرده و نه نظام اداری باقی نخواهد بود رئیس — این یادداشت هم مثل یادداشت سابق طبع و توزیع خواهد شد دستور جلسه امروز قانون نیت اسناد — قانون منع احتکارات و چون آقای وزیر داخله هنوز تشریف نیاورد و اند شروع میکنیم بشور در بقیه قانون نیت اسناد (شروع بشور در قانون نیت اسناد شده مواد آن پر ترتیب ذیل فرائت و در آنها اخذ رای شد).

ماده ۸۰ — ۳۱۷ — کمیسیون — مباشر نیت باید بتوسط سؤالات که راجع موضوع سند است یقین حاصل نمایند که شخص کر و یوساد اشاراتی که بلو میشود مبنی مدد.

رئیس — مخالفی نیست — رای میگیریم بباده ۸۰ کمیسیون آفایانیکه موافق هستند قیام نمایند (اغل قیام نمودند)

رئیس — باکثریت ۲۹ رای از ۷۱ نفر تصویب شد.

ماده ۸۱ — اشخاصیکه هم کر و هم گنك بوده و خراف معامله هستند باید بعداز خواندن ثبت دفتر با خط خودشان در دفتر بنویسند که ثبت راخوانند و صنایع تامه دارند

آفایشیخ ابو احمدیم — یکچیزی اگر زیاد بشود واضح تر میشود اشخاصی که هم گنك و قادر بر فرائت بود — چون غیر قادر را سابقاً برای او یکماده گذاشتند این

و حق را از باطل تمیز داده بداد رعیت بیچاره بر سر کدام است اطلاعات تحقیقی که در بی اعتمادی مأمورین در ادارات جمع شده کجا است علت این همشکابات چوست با این تفصیلات آیا جای شبهه باقی است که در هر شکلی از اشکال استبداد گرفته تا جمهوریت مطلق مملکت حکومت مقندره و اداره منظم بخواهد آیا محل تأمل است که مأمورین دولت با تمام افراد ملت سروکار و در تمام زندگانی آنها مداخله دارند و سعادت مملکت و آسایش افراد بالانجام از متنازم فدرت حکومت که حسن اداره است با این نکته مقصد اصلی تمام قوانین و اساس مشر و طبیت آسایش افراد و سعادت هیئت مجده است آیا قابل تردید است که از آن مقصد اصلی غفلت کردن و شغول مذازعه در نظریات بودن سیی بی حاصل بلکه شارک در تحریب مملکت است هیچ شکنیست که نظریات صحیحه سیاسی در مقام خود خالی از اهمیت نیست و همچه در عالم نظریات بالاخره سرمهش عملیات شده اند ولی باید داشت که صرف متفوق نظریات شدن کار علمی و وظیفه فلاسفه است اشخاص سیاسی که متصدی پاناظر امور مملکت میشوند باید هم خود را مشغول عملیات نمایند عمایات هم باید به مقتضای حال هر مملکت و مواقف هادات و اخلاق و احتجاجات آنها باشد در مملکت مشر و طه نمیتوان مردم را به اجبار تابع نظریات داشت مگر شخصی صاحب نظر خود را بینمی بینویسند یا سلطان مقندر اعلان کند بالمثل تصور کنند دیگر مذهب بود البته نظر آن مذهب خود را بهترین مذاهب می داند ولی اگر فهرآ خدا نکرده بخواهد عقیده خود را بر جماعتی از مسلمین بقبول آنده حال آن مسلمین بخواهد بود در میان محدودی از ملل متعدد نسوان حجاب را خوش نهادند حال اگر فرض آنکسی بخواهد در مملکت مثل ایران قهرآ اعلان ترک حجاب کند چه حالی ظاهر خواهد شد اجمالا در مملکت مشر و طه اجبار هیچ شکلی از اشکال نمایند باشد صاحبان نظریات در مملکت خارجه عقاید خود را میگویند هر وقت اگر افراد ملت را با خود هم عقیده نمودند قهرآ هفایدا کنریت در مجلس شورای ملی ظهور نموده موافق مقنصلیات و عادات مملکت بصورت قانون در آمده به قام اجرا می گذرد ای حال مقصود این بود که توقف در نظریات و غفلت از سعادت هیئت مجموعه بی حاصل و آسایش افراد بسته بوجود حکومت مقندره و انتظام ادارات است و چنانکه در همچنانه در همچنانه مرسم است یکی از شرایط واجبه حسن اداره اینست که باید اعضاء ادارات از پادشاهی های سیاسی خارج و بی طرف باشند زیر عقاید یونانیکی در مملکت مخصوص احزاب مجلس شورای ملی و بعداز آن مخصوص هیئت وزرا که با کنریت یک حزبی انتخاب میشوند و اداره هیئت وزراء بدون هیچ مداخله و مصادمه حقماً باید اجرا شود فقط سرو وقت عقاید اکنریت مجلس تغییر حاصل شود فوه مجریه موافق آن مملکت تجدید و بازار ادارات بدست همین ادارات بی طرف جاری گردد بعبارت آخری اعضاء ادارات باید آلت کار باشند علت آن و در هر دستی و سیله اجرای اوامر باشند تا قوه مجریه با کنریت هر فرقه انتخاب میشود بتواند افکار خود را بتوسط

لازم است و مباحثات علمی و نظری قایده سیاستی عاجل نمی بخشند — بلکن مباحث نظری بالمال قطعاً بیفاایده نخواهد بود ولی برای همین هم که بالآخر از مسائل نظری استفاده شود انتظام مملکت که علمیات فودی لازم دارد اقدام و الزام است پس برای تمام احزاب لازم است قبل از اختلاف در نظریات خود اول اصول اداره و تنظیمات آن که بلا خرف بعملیات مشترک است متفق شوند ناموضع اختلاف در اجرای نظریات هر یک بر سر والا باقدامات فوق مسلم است که بوجود اداره و نظم آن مردم همچیک از احراز بمقام عمل نخواهد رسید در صورتیکه اداره مالیه مرتب نباشد بواسطه بی نظمی مالیات وصول شد معلوم باشد عایدات مملکت در کجا غرق میشود در سر مالیات مستقیم وغير مستقیم مباحثه کردن نایابی که کار با آدم کشی بر سر تصور کردند نیست در صورتی که احکام دولت کاملا در اطراف مجری نیست ممتازه در سر اینکه هموم افراد باید داخل در خدمت نظامی شوند با سرباز از دوی بشجعه گرفته شود حقیقتاً امر غیری است در صورتی که هر اداران رنجبران در اطراف مملکت لکه کوب اشرار نطاع الطريق هستند و رنج و مشقت سایه آنها که چند رأس گاو و گوسفند است بغارت میروند نزاع در سر اینکه ساعت رنج و مشقت باید در روز محدود و اجرت آن افزوده شود شایان توجه است البته هیچ جای شبهه نیست بر هر کس که حس انسانیت دارد غمدوادی رنجبران کم در هر دوره مظلومترین طبقات بوده اند لازمو واجب و معلوم است که آن طبقه جزو اعظم ملت هستند کسان میکنم بیشتر زحمات هواخواهان عدالت و مشر و طبیت هم بالا اصله نظر بظایهای وارد بود آن طبقه بوده است طبقات دیگر اگر مظلوم واقع میشوند مظلوم بالنسبه بوده اند و شاید بواسطه ظلم بزیر دست تلافی خسارت خود را میکردند ولی طبقه رنجبران مظلوم مطلق بوده اند پس از اول دلسری و غمدواری اینست که بواسطه ترتیب اداره و انتظام مملکت عوهد را از ذیر فشار اشرار بیدون آورد و اقلاً مایملک حاضر آنها را نمایند نمود تا بتوان بفکر به بودی حال آنها اقتاده هر فکریکه میشود بمقدار اجر؛ آورد — بیانی دیگر تایع و خیمه سوء اداره و سوء استعمال قواعد صحیحه را میتوان مدل داشت و از روی تجربه هر کسی میتواند مشاهده کند که تا عاد، تفکیک فوا و استقاله مملکت صحیح و در همه جا معمول است ولی بشرطها و شروطها اما در اینجا که خواستیم اینتفاعده را معمول بداریم و حکام را بکلی بی اختیار کردیم مأمورین عدای و نظمیه و مالیه وغیره فرستید و لای ربط آنها بیکدیگر ملاحظه نشد هر یک خود را قوه مستقلی فرض کرده در غالب جاهای باشکنیکه در کشمکش افتدند و نتیجه چه شد معلوم است — مأمور عداییه باهاضی که حکم او نظر بردار نیست و حقیقی الاجرا است باید دید در جاهای دیگر متصف بجهه صفات و در تجتیه نظارت سختی است هم چنین مأمور مالیه در تحت چه نظارت و تقبیبات است وجهه و سایلی برای رفع بی اعتمادیهای آنها فرادراده اند تصور برقرار ماید اگر امروز مالیه سیستانی ای اعتمادی کند چاره رعیت رنجبر جویست فرضاً گر عقلش بر سر سوادداشند قادر بر ادای وجه مخابر شده جز یک تلگرافی که با ایام امود یکنند و جوابی بدهند و یک وجه مخابر جواب هم نایم ای بر ذمه اش وارد شود چه جاره دیگر دارد آن دستگاهی که در محل مورد اطمینان باشد

رئیس — باکثریت ۴۷ رأی از ۷۰ نفر تهیب شد که این ماده برگرد بکمیسیون رئیس — آقای وزیر ماله فرمایش داشته‌دوزیر مالیه — خاطر نمایندگان از انصرار حمل نقره برای ضرب در ضرابخانه مسبوق است که سال گذشته دولت در ضمن این انصرار قرار گرفت باشناختی ایران داد که بوجب آن قرار داد وکالت خرید و حمل نقره را بیانک داده است که از اول حمل ۱۳۲۸ تا آخر حوت ۱۳۲۹ که در وقوع چند روز است این متفقی شده است چون در این مدت که این قرار دار باشناخت شده است ضرابخانه از هر جایی از جهت ترتیبات خودش وجه از بابت رسیدن نقره مرتب بوده است لهذا بعد از مطالعات و با این تجربه‌هایی که در این داده شده صرفه دولت را در این دو دهه ایم که این قرار اداد تجدید بشد و با این قراردادی که تجدیدی شود پاره تغییرات با آن قرارداد دارد که باز هم صرفه دولت در آنها ملاحظه شده است و برای اینکه از بابت خرید و حمل نقره ناخیری واقع نشود بمنه بوجب لا یعنی که بنتظر نمایندگان رسیده است تقاضا کرده ام زودتر نمایندگان محترم در این باب داخل مذاکره شوند و آن لایحه را چند روز قبل تقدیم کردم به پشت رفته و مخصوصاً تقاضای فوریت آنرا هم کردم و تصورمی کنم که بنتظر نمایندگان محترم هم رسیده است و حالا خواهش من کنم که داخل اینجا کرده شویم که تکلیف اینکار معلوم شود و اینرا هم عرض کنم که اکنون وقت بگذرد چون حالا موقع خرید نشده است باید تلکراف بشود که نقره خریده شود و اگر همین روزها تلکراف نشود و اینها مشغول خرید نشوند آنوقت ممکن است پنجاه شصت روز دیگر ضرابخانه تعطیل بشود و از این تعطیل هم معلوم است پیکارهای فوق العاده بدولات خواهد رسید حالا خواهش میکنم که این باب داخل مذاکره شوید.

رئیس — آقای وزیر مالیه تقاضای فوریت این لایحه را میکنم سه روز قبل این لایحه را به پشت رفته داده اند و بین نمایندگان توذیع کرده‌اند و عده کافی نیست آذایان که تشریف آورده اند در فوریت رأی گرفته میشود تا تکلیف معلوم شود.

وزیر داخله — بنده آقای شریف‌الدوله را بست معافونت وزارت داخله معرفی می‌کنم به مجلس مقدس.

رئیس — رأی بخواهیم بگیریم در باب فوریت قرار دادیکه وزارت مالیه بخواهد با باشناختی شاهنشاهی بدهد دلائل فوریت را هم آقای وزیر مالیه بیان کرده‌اند حالا رأی بگیریم آقایانیکه موافق هستند که باید فوریت داشته باشد این لایحه قبام نمایند (باکثیرت ۴۴ رأی تصویب شد) حالا باید رجوع شود بکمیسیون ذکر کمیسیون که برگشت اکرده میتوود.

وزیر مالیه — چون سابقاً در این مخصوص مذاکره شده است و آذایان این قرار دادرا مسبوق شد اگر ممکن است حالا داخل مذاکره بشوند.

این مبادر خسارت صاحب سند شده است و باید از همه برآید این مطلب صحیح است ولی تصویر این خسارت را از تهت سند نمی‌شود که بس خوب است این ماده برگرد بکمیسیون که این مطلب درست توضیح بشود.

آقا شیخ ابراهیم — در موضوع حرف دارند که همچو چیزی نیست که هرچه خسارت مالی دارد باید آناده میگوید اگر همچو چیزی شد که بواسطه تفصیر مبادر ثبت همچو خسارتی بر صاحب معامله باشد وارد شد باید مبادر ثبت از عهده آن خسارت بر باید والا هنلا ده‌تومان داده است برای ثبت و اعتبر افتاد همان ده‌تومان را بسند و آن خسارت بر صاحب سند وارد باید اینکه نمی‌شود بنشاده میگوید اگر یک همچو چیزی شد مبادر باید از عهده خسارتی که از این ده‌تومان بر صاحب سند وارد شده است بر باید و هیچ اشکالی هم ندارد این ماده میگوید اگر یک همچو چیزی شد باید این طور بشود.

حقیقی، السلطنه — عرض میکنم بهمان دلیلی که آقای مخبر فرمودند این ماده ممکن نیست موضوعیت پیدا بکند بجهة اینکه همانطوریکه فرمودند اگر یک شخصی ده تومان برای ثبت سند خودش بسند واز مبادر در ثبت اشتباه یا غلطی بشود هبچو وقت این سبب یک خسارتی خواهد شد برای اینکه عدم صحبت ثبت سند عدم صحبت سند نمی‌شود تا اینکه بگوییم هرچه خسارتی که از این راه بر صاحب سند وارد نمی‌شود مبادر ثبت حقیقی بشهد آن سند را بثبت رسانید بعد بیک دهوانی اتفاق افتاد و طرف آن سندی را که بثبت در این طور بود در آورد همان وقت آنطرف ادعا کرد که این ثبت صحیح نیست بجهة اینکه فلان ترتیب فانوی که در مورد ثبت سند باید مراعات بشود مراعات نشده است و درجع کردند بثبت و دیدند فی الواقع همین طور است مثل این که باید از این وکالت نامه را بخواهد با اطرافین را حاضر بگند و این که هویت را باید معین بگند نکرده است و بدون رعایت این نکات ثبت حکمده است و باشجهه این ثبت از اعتبر افتاده است البته در این صورت این شخص حق دارد که برگرد بگوید چند روز مرا دواند حالا که ملتفت شدم معلوم می‌شود که این سند بطوط صحیح ثبت نشده است و پول خودش را که داده است با خسارتی را که کشیده است از آن مبادر ثبت بگیرد مقصود در این اینست که خسارت او داده شود واما در باب اعتبر ثبت اسناد که این باسنادچه اعتبری میدهد آن در ماده ۸۸ مواد بعد اد آن می‌آید که تصریح میکند و در این ماده مقصود اعتبر ثبت سند است و بنده این را در اینجا بچوچه مخالف هیچ ترتیبی نمی‌دانم.

آقا سید حسن مدرس — خسارت مالی با ائتلاف مال بخواهد پاسخیت نامه می‌خواهد یعنی علت نامه از برای ثلف کردن مال و بفرموده آقایان تنها مطلب در اینجا اینست که موافع پیدا شده است که این ثبت را صحیح نکرده است و این صورت افتضا دارد که پولی را که داده است برگرداند اما اگر منجر شد به باید مرحله که فایده بر آن متوجه شدیما خسارتی وارد شد این مستند بعد ثبت صحیح این سند نیست که بواسطه ثبت آن این خسارت وارد آمده باشد و اگر مقصود اینست که میگویند در این مورد مثل این حد تومان این هزار تومان بواسطه تفصیر

رئیس - پس ماده دوم مخالفی نداشت
پاده ۳

[ماده ۴ بضمون ذیل فرائت شد]

ماده ۴ - دولت علیه ایران تمدید مکه هر قدر برات خارجه برای حمل نقره شود تمام را از بانک شاهنشاهی ایران فرمایند لاغیر.

رئیس - باماده ۲ کسو هست که مخالف ارباب کی خسرو - بنده مخالف اینجا همچو لازم نمیدانم که این ماده اینجا قید شود ایران هر قدر برات خارجه بخواهد مخصوص بانک بگیرد دولت ایران باید یک یولی بدهد باصره از این است برای ایران آنطور رفتار حاجت نیست که اینجا قید شود.

وزیر مالیه - خوب است آقایان در که بفرمایند که هر قدر فایده از این فرادراد بد و در کلیه چقدر فایده بیانات پرسیدا کردا خلای بشویم همانطوری که عرض کردم چند روزی بشویم و تلگراف در باب خرید نقره مخابر این اسباب خسارت دولت خواهد شد و در روح آن فرار داده مان ماده اول است که اینجا است حالا میفرمایند که اینجور نباشد پس اینجا همچو اینجا داده را با دولت میدهد و با این متفاق دولت منظور شده است دیگر فایده بانک از بود بانک همچو اینجا نداشته باشد متفق است که اینجا هم نباشد یا اینجور نتویسیم جو دیگر نیست فایده بانک از کجا منظور میشود و فایده با مجایسه برای ما کار نمیکند.

رئیس - اما آنچه در اب کنترات فر تراپیش این است و چون در بعضی مواد ش باشد بنده مجبورم که موادر را جدا جدا در تعیین کندازم حالا اگر میدانید که این خیلی فور باید امشب رای داده شود ممکن است نفس را طولانی کنیم و مذاکره بکنیم ناعام شو ارباب کی خسرو - بنده همچو ملت آقای وزیر مالیه نشدم در باب فایده بانک در رو در اینجا یک یولی عرض میدهد از فرادر شرط این دیگر لازم نیست که فرادر بده هر قدر برای خارجه بخواهد بغير از بانک دیگر حق نداشته باشد بخرد این معامله یول با است بعییده بنده اگر یک حق العمل برای خر بانک قرار بسید بهتر است از اینکه کهر چقدر مملکت ایران نقره لازم دارد که بانک بخواهد بفروشه از بانک بخرد.

حاج و کیل الرعایا - آقای ارباب یکمل لاحظه نموده اند که دو کاره است خیر در کاره است یکی ازوم یولی است رای سرمایه تحقیق بکسر ۰/۰۵ است این باید فرادرادی ماده یکی دیگر لزوم شخصی است در این ماده اینکه ثابت شده باشد برای خود خرید تحت یک ۰/۰۴ است آن هم یک ماهه مشکلت رینه واد اینجا است آنچه چی آن این است که مایل کسی را می خورد بر اینه که باید بطلای خریده شود صد هزار تومان نمیشود و آن کی است و باجه هزار تومان نمیشود و آن کی است و باجه.

مالیه درخصوص مسئله کنترات نقره ضرایغه بانک شاهنشاهی (ماده واحده لا بجه مزبور بضمون ذیل فرائت شد) وزارت اماليه معجاز است که فرادراد مورخه اول حمل ۱۳۲۸ را در باب خرید و حمل نقره بانک شاهنشاهی ایران بارعيت تغیرات ذیل از اول حمل شاهنشاهی ایران تا آخر حوت ۱۳۲۹ تجدید نماید اول تعیین مقدار نقره که بوجوب فرادراد سابق یکصد و بیست کرور متقال بوده بسته بصلاح دید دولت است که در رأس هر ماه مقدار آنرا معین خواهد نمود.

(۲) - مقدار نقره که بانک بطور مساعدة برای دولت تهیه خواهد نمود الی سیصد هزار لیره بوده و میزان متفق از بابت کلبه و چوهانیکه بانک پیشکی بدهد بقرار ۵ درصد خواهد بود.

(محل امضای وزیر مالیه)

رئیس - در باب مذکور اگر در مواد کنتراتی که بانک بسته میشود مخالفی نیست بمانه که از طرف وزیر پیشنهاد شده است رأی میکنیم و اگر اینطور نیست بامداد که از طرف وزیر پیشنهاد شده است مخالفی هست داخل میشویم در مواد کمیسیون آنوقت مذاکره میکنیم (از طرف نمایندگان تصدیق شد) خوب ماده اول کنترات که بوجوب ماده واحده وزیر تفسیر میکنند در آن باب مذاکره نخواهیم کرد میم و یم بامده ۲ (ماده ۴ بضمون ذیل فرائت شد).

ماده ۲ - چون دولت علیه ایران حمل نقره را برای ضرب در ضرایغه یکلی منحصر بخودشان فرموده اند فقط بانک شاهنشاهی و کالت میدهد که نقره را بابت حساب دولت علیه خریداری نموده حمل بهتران نمایند و دولت علیه ایران در مدت درام این فرادراد تمدید می فرمایند که همچو مقدار فرمه پتوسط دیگری حمل نفرمایند مگر پتوسط بانک شاهنشاهی ایران لاغیر و نقره را که بتوسط دیگران از خارجه حمل شده باشد خریداری نفرمایند و نیز دولت علیه تقبیل میکند که فبرت نقره و تمام مغارج حمل آن بعلم ران باضمام حق ییمه و غیرها هرچه را که بانک شاهنشاهی او بابت دولت علیه ایران داده است بطوری که در ماده هشت ذکر شده عاید و مرحمت فرمایند.

رئیس - آقای حاجی سید ابراهیم در ماده دویم مخالف هستند.

حاج سید ابراهیم - بنده بخواستم عرض کنم این مواد طوری است که باید مذاکره کنیم با آنطرف و آنطرف هم که حاضر نیست مثل اینکه بنده بخواستم بگویم دو سال زیاد است آبا مجال آن اشکال هست یا اینکه فرادرادی است که شده است و اساساً تصویب کردیم دیگر موادش مذاکره لازم ندارد.

رئیس - عرض میکنم ماده بامده که مذاکره متفق خواهد بود بنده اطلاع : هدف حاضر شوم.

رئیس - هر روز یکه منعقد میشود بهیث زر اطلاع میدهیم که تشریف بیاورید.

افتخار الوابعظین - کمیسیون داشته روز جشنیه منعقد است.

رئیس - پس جزو دستور روز شنبه خواهد رسود و حالا شروع میکنیم بشور در مواد لا بجه روز ازت

نمی خواهد کار بکنند گمان می کنند که می فرمایند
بانک شاهنشاهی از برای دولت بفرد مقصود از این
این است که بانک شاهنشاهی از طرف دولت ایران
با آن وکالتی که دارد و آن حسن اداره که دارد با
یک حق السمی می خرد و تقدیم دولت ایران می
کند اگر این ماده را بر داریم باید بگوییم از
برای دولت کی می خرد این طلا را برای جاهانی
که محل فروش او است با این حق السمی بعد
او را بر داریم یعنی از بانک بر گردانیم بجا ایش
بگذارید .

ارباب کی خسرو — بنده هیچ مانع این
مطلوب نشدم همان شخص که امین است که یول
ازد او می رسانند نگفتم که او امین نیست و
یهلوی او نفرستند بنده هررض می کنم که آن
یول راحکم نیست که با این شرط بکنم که شده است
علی العجاله تحوبل بانک پنهانم و بانک بهر نرخ که
بخواهد برات را بدهد ممکن است از بانک شاهی یا
بانک استقراری بخرید از هر کسی که بخرید مقصود
میزان برات بود که اینجا هیچ قید نشده است که
میزان عادله اگر اینجا قید شده باشد که بمنظمه هادله
بنده هیچ حرف ندارم و چون اینجا هیچ قید نشده
است فقط نوشته شده است که دولت هر وقتی که
بخواهد برآئی بفرد از بانک باید بفرد و بنده اینرا
به بیچوچه قبول نهارم .

وزیر مالیه — در ماده دیگر که بعدم آید این
مسئله قیدشده است .

کاشف — این جوابها که داده شد در ماده
سوم هبپکدام را که بنده ملاحظه کردم متقادع
نشدم اینجا ملاحظه در این است که چرا دولت انحصار
میدهد بیانک و ما چیز دیگر نمی توانیم از این ماده
بنهایم فقط می گوییم که دولت ایران تعهد میکند
که زمانی که برات خارجه لازم است جهت خرید از هر
تام را از بانک شاهنشاهی بفرد لا هیر یعنی یک
انحصاری بیانک داده اند جهت این ترجیح و انحصار
چهست امکن بود دولت این انحصار را بر دارد و
بموجب موادی که گذشت نزیل و فرعش بطوری که
ممول است منظور خواهد شد ولی اینکه منحصر باشد
بیانک که دولت حکم از بانک بفرد بانک هم شاید از
منظمه بیشتر بخواهد .

حجاج و کیل الرعایا — به اینجا صرفه بزرگی
برای دولت شاهر است برای اینکه بانک شاهنشاهی
خودش هم مایل است که قیمت طلا در ایران قیمت
زیادی را بیدا بگند که خودش هم از این بابت
بال ضریب نگند برای این که خودشان
دیده در یک موقعي طلا ۲۹ الی ۳۰ تومان
کرد بران و بعد بینند که محتاج شد باینکه عوض
او بینج تومان بگیرد و سهام او در این ماده آنرا
تفاوت پیدا کرد پس این درجات نیست که همیشه
قیمت طلا در ایران بال ضریب افتادی را داشته باشد
برای اینکه بال ضریب را سبب نشود چنانچه در ماده
گذشته این شد در سالهای بیش هم خیلی انفاق
می افتاد که بال ضریب یافدری کمتر در قیمت از هر
یک طلا میزانهای مختلف پیدا می کر و شاید نجارهم

بقرار ۱۰۹ در ساله خواهد بود .

رئیس — اینهم بموجب ماده ۲ از لا چه وزیر
تفصیل داده می شود یعنی ۵٪ فرارداده می شود بنابراین
از این اگر مخالفی هست اما بخاطر نکنند (مخالفی نبود)
پس ماده ۸ فرائت می شود .

(ماده ۸ بقرار ذیل فرائت شد)

ماده ۸ - تمام نقره هایی که در عرض راه الى
طهران و در بانک و در مدت سه شدن وغیره در
ضرابخانه خواهد بود در حکم وثیه وجوده پیشکشی
داده بانک است ولی مقرر است که فرانک تقریبی حق
دولت علیه است از هر فقره نقره که بضرابخانه فرستاده
شود باید بخود دولت برسد و هرگاه لازم شود
بدفعات می تواند آنرا از پیش دریافت فرمایند مشروط
برایشکه تأیید و پرداخت قیمت نقره و مخارج و
نزیل بانک کاملا ملاحظه و منظور نظر باشد و نیز
مقرر است که مقدار نقره موجودی ضرابخانه در دفعات
واحده برای آنکه ضرابخانه بدون انصال بتواند
مشغول کار باشد فریب ۰ هزار تبره کافی خواهد
بود .

رئیس — مخالفی نیست در این ماده —
پس ماده واحده لایحه وزیر خوانده می شود در آن
رأی می گیریم .

(مجدد آماده واحده فرائت شد)

رئیس — در اینجا در واقعه مطلب است
یکی تجدید مدت ۲ ساله یکی در باب ۱۰۵ است
پسکن هم مقدار نقره است که بصلاح دید دولت است
اول در باب مدت مذاکره می کنیم .

آقامیر زاهر تضییق قلیخان . — آنچه در
این چند روز مذکور شده است حسبات اغلب
نمایندگان را دیده ام که موافقند با اصل این پیشنهاد
ولی در باب مدت ۳ سال حاضر نیستند و رأیشان
اینستکه ۲ ساله نباشد بواسطه اینکه بهتر اینستکه
یک ساله باشد چون ملاحظات در این است وزیر مالیه
هم تصویب خواهد کرد پجهوه اینکه معلوم نیست که
نظریات و کلای آنچه در آنچه خواهد بود و از
طرف وزارت مالیه همچه جود پیشنهاد می شود و از
چه قسم بیش خواهد آمد و شاید لازم شود که بعد از
یک سال یک تغییر و اصلاحی در آن داده شود در
هر صورت اگر این مسئله را تقبل بفرمایند که بال
ساله بشود گمان می کنم مذاکره دیگری نداشته باشد .

وزیر مالیه — در موقعی که داخل مذکوره
این کنترات شدیم از طرف بانک بیشتر از این
مدت یعنی بیشتر از ۲ سال تقاضا شده بود و در
مقابلش در این مساعدتهایی که شده است ملاحظه
می فرماید و مقررات منظور شده است ایشان حاضر
شده اند که اینطور با دولت ایران مساعدت کنند و
آنندی که از طرف بانک بیشتر از شده بود در
هیئت وزرا مذاکره شده بود اینطور صلاح دیدند
که ۲ سال باشد اینستکه بنده هم در اینجا دو
سال نوشتم حالا اگر نظریات آفایان وکلا

دروزگاه رسمی گشور شاهنشام، آن آن

میکنند یا مداخله می کنند یا دفع می کنند نا از اینها ما خلاص نشون مردم از این فشارهای خلاص نمی شوند.

رئیس — هرچند در این لایحه دو شور خواهد شد و در کلیات آنهم بمقبده پنده بقدرتی که مذاکره شد کافی است حالا رأی می کیرم — آفایانی که مذاکره در کلیات را کافی می دانند و موافقند که شروع بشود در مواد بشود قیام نمایند (رد شد).

حالا داخل میشویم در شورهای فانون اساسی معارف از ماده ۶

دکتر علیخان — گویا در فانون اساسی معارف بعد از برگشتن از کمپسیون بعضی نظریات و بعضی تصرفات شده است که اعضاء کمپسیون معارف اطلاع ندارند اگر اینطور است بنده تقاضا میکنم که دور تربیتی پایان بگمپسیون که اعضاء آنهم نظریات را بپنهنند و واذ آن تصرفات اطلاع شوند.

رئیس — نظر فانی در آن شده است این همان رایورت آمپسیون است.

دکتر علیخان — چون بنده سابقاً تقاضا کرده بودم نه این جزء دستور کذا شده باشد از هیئت رئیسه جواب داده شد که بعضی نظریات در آن وزارت معارف دارد و خواسته اند حالا اگر تصریفات در آن شده است خواستم فرستاده شود بگمپسیون.

رئیس — خواستند مطالعه کنند.

ارباب کیمیسری — در همین باب که آفای دکتر علی خان اظهار کرده من خواستم هرچند که این رایورت را خواستند و ظاهراً باره تصرفات در آن شده است.

رئیس — هرچند میکنم تصریفاتی نشده است اگر ایرادی در مواد خوانده بشود و درج شود می شود بگمپسیون بخواهند.

[ماده ۶ از رایورت کمپسیون معارف بعیارت ذیل فرالش شد].

ماده ۶ — در صورت از زوم طلبی با حضور مانع با اطلاع مامورین معارف تاخیر شروع در تحقیق طولی بمکتب جایز است.

رئیس — رأی بسکیدیم — آفایانی که با ماده ۶ بطوریکه خواسته شد موافقند قیام نمایند با کثیریت ۶ رأی تصویب شد.

فهیم الملک — چون ماده ۷ را کمپسیون ماده ۱۸ قرارداده اند باین جهه ماده ۸ خوانده بشود ماده ۸ — بعیارت ذیل فرالش شد.

ماده ۸ — تمام اهالی مملکت ایران از هر طبقه و ملت حق تمتع از معارف عمومی دارند و در صورت عدم امکان اختلاط باید از طرف دولت برای هر طبقه تدارک مدرسه و مکتب جدا کانه شده باشد.

آقای سید حسن هادرس — در صورت عدم امکان اختلاط باید از طرف دولت الی آخر این عنوان را بایان بفرمائید.

دکتر علیخان — مقصد این است که اهل ملل متنوعه اگر بخواهند در یک مدرسه تحصیل کنند لابد در آن مدرسه باید شرایط تحصیل شود و شاید آنها بخواهند که در آن مدارس حاضر شوند حق هزارند مطابق فانونی که گذارده ایم که اطفالشان را در مدارس دولتی بگذارند و از معارف متمیز شوند در این صورت البته باید برای تحصیل تعلیمات ابتدائی مدارس علیحده نماییں کنند که آنها بجهه های خودشان را در آنجاها بگذارند به تحصیل.

آقای سید حسن هادرس — آن فرمایش که آفای مخبر فرموده تعلق بیک امری دارد تصدیق و تکذیب شرایط اینم که باید بگذارند اگر با لحاظ است که فرمودند که حق ملل متنوعه باید محفوظ شود گمان میکنم که باین احاطه باید این طور نوش و اگر عبارت اینطور نوشته شود بهتر است اجمالی نمایند و حق آنها از میان نمیودند نوش شود (۱) طرف دولت باید برای ملل غیر اسلامی مکاتب و مدارس نهیه شود اگر اینطور نوشته شود دیگر اجمالی باقی نمیماند و حق آنها بآنها داده بشود واما این که نوشته اند در صورت عدم امکان اختلاط این شبهه اسما

نمی کننم که این مدارس از مدارس دسمی دولتی باشد بجهت اینکه مدارس دائز و ناسیس می شود خارج از دو قسم ایست یا متولی خاصی دارد یا ندارد اگر متولی خاصی دارد که بتوسط او مدرسه دائز شده است و ربطی بدولت ندارد آنوقت داخل در تحت نظارت وزارت معارف شدن را بنده نمیدانم بجهه نسخه خواهد بود و اگر متولی خاص ندارد باز بسته بنتظر حاکم شرع وزارت اوقاف در تکلیف خودش باید باشد که نظر کنند که هایدات آن به مصارف خودش برسد فریاد آنهم که در همان وقف نامه معین شده است و اینجا بنظر بنده این ماده خیلی اجمالی دارد و مقصودش از اینکه در حکم دسمی در تحت نظارت وزارت معارف است معلوم نیست از چه نظر است این را خوب است تو ضمیح بفرمائید.

دکتر علیخان — این فرمایشات و ترتیبات وزارت معارف چیزی که مقصود نظر است ایست که آنچه ممکن است دو نظر از دو جهت باشد یعنی آنکه چنانچه در فانون اداری در فانون اساسی وزارت اوقاف نظر وزارت اوقاف از این حیث خواهد بود که فلان هایدات فلان مدرسه به محل خودش صرف شود و حیف و میل نشود از آن حیثی که وزارت اوقاف نظر دارد بر کله اوقاف این نظر را دارا خواهد بود بلکه نظری است که هلاوه بر آن نظارتی که وزارت اوقاف دارد بلکه نظارتی هم وزارت معارف داشته باشد — یعنی میشود بطور صحیح باید بشود حالا این رجیم از سیاست تحریمی در آنچهای باشند که طلاب همان نظری را دارند از آنچه اینجا رفتار می کنند یعنی و گمان نمی کنم باین کسی مخالفت داشته باشد و خیر و گمان نمی کنم باین کسی مخالفت داشته باشد و ضرری هم ندارد و بیک اصلاح عبارتی هم هست چون بعد هاهم بانی را مؤسس نوشته است اینجاهم خوب است همان مؤسس بنویسند.

رئیس — آفایانی که اصلاحات در نظر دارند قبل از این که رأی بسکیدیم در آنچهای باشند مذاکرات بفرمائند.

حاج آقا — این تو ضمیح هم که مخبر فرمودند رفع اشکال را نمی کنند بمواسنه اینکه مکافی که رسمی است بواسطه ایست که دولت خودش نماییں می کنند بالتجهیزه باید این ترتیبات اجرا شود والبته مدارسی که از اوقاف نماییں بشود ترتیب او همان ترتیب است که واقع معین گردد است و به چوجه دولت نمی تواند تغییری در آن بدهد مگر اینکه همان ترتیبی که در فانون اوقاف گفتیم که وزارت اوقاف باید نظارت داشته باشد در اینکه بیبل و اتفاق عمل شود مگر بگوییم آنها هم در در حکم مدارس رسمی است یعنی ترتیب آن را هم دولت می تواند بیبل خود معین کنند و این نمی شود و در آنها هم اسباب اشکال خواهد شد اگر بهمین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه در مواردی که اوقافی معین شده البته بترتیب خاصی معین شده و صاحبان اوقاف نظرات خاص مختلف دارند چه بسا میشود بلکه شخصی فروت معتبره داشته باشد و

حاج سید ابراهیم — عرض میکنم چون مفهوم ماده مخالف با ماده پنجم است که هر کسی مکاف است اطفال خود را از سن هفت سالگی بفرستند بتحقیقات ابتدائی و ودادار از اینجهت بنده تصور ارسال طفل به مکتب نوشته شود در واداشتن طفل به مکتب رسمی و در تحت نظارت وزارت معارف و اوقاف خواهد بود.

حاج شیخ اسدالله — مدارسی که از اموال اوقاف دارند در حکم رسمی و در تحت نظارت وزارت معارف است اگر مراد فقط همان نظارت مطلقی است که باید نظارت داشته باشد در کله اوقاف که حیف و میل نشود و کلیه اوقاف به مصارف معینه خودش بتوسط متولی برسد آنوقت بنده هم موافقم و گمان نمی کنم که در این صورت لازم نیست که قید شود در تحت نظر وزارت معارف باشند و گمان

آمدند ممین کردند که هیجدهز از تومن خود را
از این محلها وصول بکنند و الاما بات هر
هیج وقت برای بلدية نداشته ایم و این چیز
که می فرمائید پول چراغ یا پول داروغه
پلیس باشد اینها پلک چیزهایی بوده است
انواع غیر مشروطی از مردم میگرفته ایم
اینهای را که از آذربایجان می گرفته اند
صودتش هست مثل اینکه می نویسند ۷۵۰
از بابت مالیات قدیم این چه ربطی به مالیات
داردیما اجازه میدان صادقه این چه ربطی به مالیات
دارد اینها یک مالیاتهایی است که بلدية
است در حالتی که هیج ربطی با او ندارد
بلدی که عجالة ما می توانیم بگوییم که مالیات
است همان مالیات نوافل است بعلاوه وجود
بعضی مالیات گرفته میشده است همان
آقای افتخار الواعظین فرمودند هیج نمیتو
که اینهارا بلدية بدهیم برای اینکه شاید
جزء مصارف محلی محسوب شود بجهة اینه
عایدی بلدية خبای پیشتر از آن هیجدهز
سابق است بعلاوه در شهرهای کوچک آنقدر
مصارف ندارد فقط در شهرهای بزرگ ای
اینطور است و البته مصارف بلديها بدرجا
ولی اینهارا که می فرمائید مالیاتهایی است
بدولت پرسد و برای بلديهم عجالة مالیات
است و بعدهم اگر زیادتر از این لازم باشد
دیگر هاید تعیین بشود که کفایت مغار
بکنند با اینکه همانطور که هر چند گردید
داخله اعتباری در آن باب بخواهد حالا دیگر
بنظر مجلس است.

حاج امام جمعه — بنده تصور میکنم
آنچه وزیر اینجا پیشنهاد کرده است بدر
نحو و درسته چرا بجهت اینکه همانطور که چیز
اسباب ذمت مردم است و مردم در فشار آن
و در فشار آن بوده اند مثل اینکه تا بعض
می دادند را بکلهه مباشر مالیه آنها بود باشد
آن ده که هر چند لش میخواست می گرفت
قانونهای مبهم و مجمل اینهاهم اسباب نظر
نمی شود مثلاً نوشته است که بلدية در هیچ
حق ندارد مداخله در مالیات های مملکتی
این مالیات مملکتی یک لفظی است که مو
او معلوم نیست مهوم او معین نیست و پام
است همیشه همین نزاع خواهد بود که بلدية
گفت این مالیات بلدی است مأمور مالیه خواهد
این مالیات مملکتی است بس نامجلس درست
نکند که مالیات های بلدی و مملکتی
نمی شود باین دلیل و این نزاعها از میان
نمیشود بلکه عرض دیگر اینکه لازم است
و راجع بآنها است اینست که ممکن است
یک چیزی را بگیرد و او از من را نسکین
را بگیرد و ممکن است اورا ندادنی باشد بنده
ما اسم متروطه را گرفته ایم و لوازم من د
اگر مملکت ما متروطه است اگر باران
غیر از مجلس کسی حق وضع مالیات ندار
جا انجمنهای ایالتی و ولایتی بلديها مالیات

بسود که انجمن بلدی باید آن عوارض را بگیرد و
به صادر بله بر ساند دیگر این مالیات های صنفی
۷۶۰ امروز بلدیهای متصرف شده اند ایند
طبعی بآنها ندارد و جمع انجمن بلدی نیست و
آنایان باید ملاحظه داشته باشند که اگر این مالیات
ها را با انجمنهای بلدی بدنه‌چقدر بودجه مملکتی
کسر بیندا خواهد کرد و چقدر از مالیاتها نقصان
خواهد شد که علاوه بر آن که ما نتوانیم آن کسر را
چنان بکنیم شاید ناچار شویم که برای کسر بودجه
بعضی مالیاتهای جدید برمدم تجهیز بکنیم

محمد هاشم هیرزا — بعتقد بنده بطوری
که انجمن ایالتی آذربایجان نمکراف کرده است و
را بودتی که از کمپسیون داده شده است دمالیاتی که
آنایان فرموده اند غالباً مخلوط بهم شده است و کشف
متصود نمی شود در نظامنامه انجمنهای بلدی نوشته
شده است عوارض شهری دیگر هیچ قید نکرده است
که پیش از این وضع شده و با خواهد شد و اینکه
آنای افتخار الواعظین فرموده اند که مالیات صنفی
از مالیات مملکتی محسوب می شود محظوظ از
عوارض شهری دیگر هیچ قید نکرده است هم نیاید
آنکه بودند پیش از هیچ مخالف
نیویم البته در مالیاتهای مملکتی بلدی حق ندارد
مداخله بکنند مثل اینکه از مالیات محلی هم نیاید
بلدی را محروم کرد و اینکه میفرمایند مالیات نوافل
کافی است بنده هر چند بجهت اینکه این مالیات برای هیچ
بلدی کافی نیست بجهت اینکه هر بلدی را که ملاحظه
میفرماید چندین برابر مالیات نوافل بلد خودش را
میخواهد تا اینکه بتواند از عهده تنظیف آن محل
برایاید بعلاوه در باب حق اراضی مثلاً در بعضی جاهای
گرفته میشود با ازفه و خاک با ازغیر آن واپسها
جمع بلداست و حالا جزء مالیات محسوب میشود پس
بطور کمی نمیشود گفت هر چه مالیات مملکتی یا ولایتی
است بلدی حق مداخله ندارد.

افتخار الواعظین — بنده از برای تو صبور
مطلوب باید اطلاعات که شخصاً در این اباب دارم عرض
کنم آن چیزی که بیشتر بین امین مالیه و انجمن
های بلدی ولایت محل گفتگو و مذاقت واقع شده
است مالیاتهای صنفی است که دولت از شهرهای میگرفته
است مالیاتهایی است که دولت از کاروانسراها و حمام
ها و جاهای دیگر میگرفته اند این معلوم است که
مالیات صنفی را هیچ نمی توان گفت که مالیات شهری
است یا اینکه مالیات بلدی است وهمه وقت هم از
قدیم ایام مرسوم بوده است که تمام این مالیات ها
جز و جمع پیشکار مالیه بوده است و بعضی از مصارف
دیگری که در هر محل میشود آنها را باسم های
مختلف دیگر مثلاً باسم روشنایی داروغه وغیره می
گرفته اند والا شبهه نیست در اینکه این مالیاتی که
از اصناف گرفته میشود مالیات مملکتی است و مالیات
هایی است که باید وارد خزانه دولت بشود و با این
تأسیس دولت جدید انجمن های بلدی باسم اینکه
اینهای مالیاتهای جدید است اینها را متصرف شده اند
و پیشکارهای مالیه هرچه خواسته بودند جلوگیری
بکنند در بعضی جاهای پیشتر نکرده و مجلس شورای
ملی هم از برای اینکه برای مصارف محلی بنده
مالیات مخصوصی وضع نشده بود در این مقام ساکت
بود ولی پس از اینکه از برای مصارف بلدی یک
مالیاتی باسم مصارف بلدی مثل مالیات نوافل وضع
شده است و در قانون انجمن های بلدی هم نویسنده
که عایدات بلدی از عوارض شهری است و معلوم می
شود یک عوارض باید باسم عوارض شهری وضع

که نگفته نده اینکه گفت چون تازه بر اتحاب ملیاتی نصف مقادیر حق التعلیم اطفال هر قدر کم وضع شوده باشد باز تجهیز بیان میباشد و از طرف دیگر زیادی است مقصود این است که باید مالیات فروعات را بر آنها تمول کرد و باین مصارف مخصوص بر سانده.

رئیس - کمان می کنم من اکرات کافی است آقای ناصرالسلطان گویا اصلاح جنابعالی راجح ماده تبلیغ بوده.

ناصرالسلطان - بله.

رئیس - پس ادجاع می شود به گمیسیون.

حالا بین پیشنهاد گمیسیون رأی می کنید کسانیکه موافق هستند قیام نمایند [باشکریت ۴۸ رأی تصویب شده].

ماهه ۲۴ - در تقسیم مخارج مکاتب فراغ و قصبات برای ایام نسبت مالیات دادن آنها ملعوظ است و تشخیص آن با اداره امایه است.

محمد هاشم هیرزا - در این ماده باز هم آن عرضی که در آن ماده داشتم دارم که چون بقسمت مالیاتی که باید بر عایا تحمل شود یکی که هم در همین ماده که می گویند نسبت مالیاتی که بعد تاسیس خواهد شد همانطور که آقای مفسر قدم داده شد [].

ماهه ۲۲ - مخارج مدارس ابتدائی در قصبات

و بلاد بعده دولت و مخارج آنها از محل مالیاتی

که در هر محل بوج قانون برقرار می شود در این محدود است.

حاج آقا - یک سوالی از آقای مفسر

در این ماده دارم بشه از این ماده هچو فهمید که این راجح به مدارس دهکده است و همین طور

دانار بکنیم تمام اینها گفته است که مخارج

هم ظاهر آرا باشد که آنجا گفته است

نصف همه مالک است و نصف بعده رعایا است

بعد در تقسیم مخارج رعایا نسبت مالیات

باید بدهند ولی در ضمن جوابی که آقای مفسر

آن ماده بگمیسیون بود این هم بود که ای

رأی گرفته نشده باشد.

دکتر علیخان - این ماده مربوط به آن

ماهه نسبت []

رئیس - چون سبقه پیشنهاد شده بود

حالا حکمی که فرض می شود این مالیات

بر گردد قیام نمایند (ردش)

حاج شیخ اسدالله - مخارج مدارس

ابتدائی در قصبات و بلاد بعده دولت و مخارج

بوزارت مالیه این فروعات را در این محدود

و تخصیص مدهنه برای مدارس است که نشکنی میدهند

و در حقیقت یافته های این محدود

برای تأسیس مدارس که در هرجایی مشغول

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

کی وضوح می شود بنده هرچو میکشم که این مالیات

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس و مخفی بهمین

که نوشته اند توأم آمد به مجلس